

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۷/۱۲/۰۷

موضوع: جهاد امروز ما، دفاع از ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

(سخنرانی در مدرسه علمیه جهانگیرخان)

فهرست مطالب این سخنرانی:

عظمت خلقت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

پیشینه و فرجام امامت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

مذهب شیعه، اینگونه به دست ما رسیده است!!

جهاد امروز ما، دفاع از ولایت امیرالمؤمنین است!

این سه آیه، اُس اساس عقیده شیعه درباره امامت امیرالمؤمنین است!

سه حدیث ناب، در اثبات ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

این روز مبارک را از دست ندهید!

علاقه جوانان وهابی به معارف دینی، از علاقه بچه شیعه‌ها خیلی بیشتر است

جمله ماندگار یک جوان وهابی به آیه الله خامنه ای

اساسی ترین شیوه مناظره با مخالفین دین و مذهب

این هم نتیجه اهانت به مقدسات اهل سنت!!

اعتراض یکی از مرجع معظم تقلید، به آیه الله قزوینی!

جوان سنی، با این انگیزه، کمر بند انفجاری به خود می بندد!

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة  
على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله،  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

ایام ولادت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) را به پیشگاه مقدس مولایمان بقیه الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه  
الفداء) و همه علاقمندان به اهل بیت عصمت و طهارت تبریک و تهنیت می گوئیم، خدا را به آبروی این بانوی دو  
سرا قسم می دهیم تا عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان ولی عصر قرار بدهد و ما را از یاران خاص و  
سربازان فداکار آن حضرت قرار بدهد با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.

### عظمت خلقت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

ایام، ایام ولادت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) است، من يك نكتهی را عرض می کنم بعد می رویم روی بحث  
اهمیت امامت و ولایت، در رابطه با صدیقه طاهره تعبیری مرحوم «کلینی» در کتاب «کافی» دارد بر این که  
صدیقه طاهره (سلام الله علیها) ولادتش با دیگر ولادتها کاملا متفاوت بوده است.

شما ببینید این کتاب «امالی»، «شیخ صدوق» است، و جزء کتابهای معتبر شیعه است، در صفحه ۳۳۳  
تعبیر روایت این است که نبی مکرم فرمود وقتی من به معراج رفته بودم، جبرئیل دست من را گرفت و من را  
به بهشت برد، و از میوههای بهشتی در اختیار من قرار داد، من از آن میوهها خوردم، همان میوههای بهشتی  
نطفه‌ای در صلب من شد، وقتی با حضرت خدیجه همبستر شدم، ایشان فاطمه زهرا را حامله شد، فاطمه

حوریهی انسیه است، هر وقت من به بوی بهشت اشتیاق پیدا می‌کنم، بوی فاطمه دخترم را استشمام می‌کنم؛ یعنی قضیهی ولادت حضرت صدیقه طاهره يك ولادت كاملا ویژه است.

در کتب اهل سنت هم به همین شکل است، این فقط اختصاص به شیعه ندارد، در کتاب «خصائص نسائی» که از کتاب‌های معتبر اهل سنت است ایشان هم همین تعبیر را دارد، که پیامبر فرمود در معراج داخل بهشت شدم، به يك درختی که تا به آن وقت همچین درختی را ندیده بودم از میوه آن خوردم و او نطفه‌ای در صلب من شد و صدیقه طاهره (سلام الله علیها) از آن به وجود آمد.

در مورد قضیهی خلقت نوری فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هم ما روایات متعدد داریم، شما ببینید این کتاب «معانی الاخبار»، «شیخ صدوق» است در این کتاب دارد:

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: خُلِقَ نُورُ فَاطِمَةَ قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ »

خدای عالم نور فاطمه را آفرید، قبل از آن که آسمان و زمین را بیافریند

معانی الأخبار؛ ابن بابویه، محمد بن علی، دفتر انتشارات اسلامی - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق. ص ۳۹۶

سپس از حضرت مفصل سؤال می‌کنند به چه نحوی است؟ می‌گوید خدای عالم قبل از این که حضرت آدم را بیافریند نور نبی مکرم و نور ائمه و صدیقه طاهره آفریده شده بود.

در این مورد روایت‌های متعددی در کتب شیعه و در کتب اهل سنت داریم؛ حتی دارد که حضرت آدم (علی نبینا وآله وعلیه السلام) وقتی از بهشت رانده می‌شود در ذیل آیه شریفه‌ی:

## (فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ)

سپس آدم از پروردگار خود کلماتی دریافت داشت (و با آنها توبه کرد) و خداوند توبه او را پذیرفت.

سوره بقره (۲): آیه ۳۷

دارد که فرمود:

«سأل بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين ألا تبت علي فتاب عليه»

الدر المنثور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: ۹۱۱ ، دار النشر: دار

الفكر - بيروت - ۱۹۹۳، ج ۱، ص ۱۴۷

این کتاب، کتاب شیعه نیست، کتاب اهل سنت است، آن‌ها هم به صراحت این جایگاه را برای صدیقه طاهره بیان کرده‌اند.

در این زمینه لازم است که همه ما امام شناسی‌مان را از این حالت تقلیدی به حالت تحقیقی در بیاوریم. این که پدر و مادرمان گفته علی حق است، من هم بگویم علی حق است، خوب شاید پدر و مادرت اشتباه کرده اند. حال تو هم می‌خواهی اشتباه بکنی؛ سنی هم می‌گوید پدر و مادرم گفته ابوبکر حق است، من هم می‌گویم ابوبکر حق است، یهودی هم می‌گوید پدر و مادرم گفته یهود حق است من هم می‌گویم یهود حق است!

لذا ما در روایت داریم وقتی هر انسانی را وارد قبر می‌کنند از اعتقادات او سوال می‌کنند، می‌پرسند خدایت کیست؟ می‌گوید الله، از کجا می‌گویی؟ جواب می‌دهد چون پدر و مادرم گفتند خدا هست، من هم می‌گویم خدا هست، ملائکه با آن گرز آتشین می‌زنند و قبرش مملو از آتش می‌شود، نتیجه‌ی اعتقادات تقلیدی در آن جا مشخص می‌شود.

لذا یکی از کارهای که ما باید انجام بدهیم این است که اعتقادات تقلیدیمان را به اعتقادات تحقیقی مبدل کنیم، و تلاش کنیم هم در توحید و هم در نبوت و هم در امامت تحقیقی کار کنیم. چون امامت اساس کار است، حضرت فرمود:

«بِنَا عِبْدَ اللَّهِ وَبِنَا عَرَفَ اللَّهُ وَبِنَا وَحَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى»

الكافي (ط - الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق؛ محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و

آخوندی، محمد؛ ناشر: دار الكتب الإسلامية؛ ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۱۰

توحید خدای عالم و عبادت خدای عالم توسط ما صورت می‌گیرد، ببینید روایاتی که ما در این زمینه داریم، یکی دو تا نیست.

پیشینه و فرجام امامت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

اهمیت امامت و ولایت پیشینه و فرجام امامت آن‌طوری که ما تصور می‌کنیم که از «غدیر» شروع شده، از «حدیث منزلت» شروع شده و یا از حدیث دار شروع شده، نه این‌ها نیست!

شما ببینید این کتاب «تاریخ دمشق»، برای «ابن عساکر» است، ایشان سنی شافعی هم است، شیعه نیست، ایشان در جلد ۴۲ صفحه ۲۴۱ در ذیل آیه‌ی شریفه ۴۵ سوره زخرف که فرمود:

(وَأَسْأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا)

و از رسولان ما که پیش از تو گسیل داشتیم جویا شو

سوره زخرف (۴۳) : آیه ۴۵

می‌گوید: نبی مکرم رفته بود معراج، انبیاء به دیدن پیامبر رفته‌اند، خطاب می‌آید ای پیغمبر از انبیاء سوال کن؛

«علی ما بعثوا

هدف بعثت شما چه بود؟

قال علی ولایتک و ولایة علی بن أبی طالب»

تاریخ مدینه دمشق، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي الوفاة:

۵۷۱، دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمري، ج

۴۲، ص ۲۴۱

اگر این روایت در کتاب «کافی کلینی» یا در کتاب «تهذیب» و یا در «وسائل» و کتاب «بحار الانوار» بود می‌گفتم آقایان یک روایتی را نقل کرده‌اند، ولی کتابی که مال اهل سنت است و این‌ها هم تلاش می‌کردند مخصوصاً در دوران «بنی امیه» و «بنی العباس» روایات فضائل ائمه را نقل نکنند، روایات حقانیت ائمه را نقل نکنند؛ ولی به قول معروف می‌گویند چراغی را که ایزد بر فرزند/ هر آنکس پف کند هم ریشش و هم ریشه‌اش بسوزد!

«فرعون» می‌خواست «حضرت موسی» به دنیا نیاید؛ چون منجم‌ها گفته بودند، یک فردی می‌آید حکومت تو را سرنگون می‌کند، چقدر کودک کشت! چقدر زن‌های حامله را تکه تکه کرد؛ ولی خدای عالم کاری کرد که «حضرت موسی» در کاخ و زیر نظر او و با غذای او و با هزینه او بزرگ شد، با خدا نمی‌شود جنگید!

«مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ»

الكافي (ط - الإسلامية)؛ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲؛ ص ۵۷۲

## مذهب شیعه، اینگونه به دست ما رسیده است!!

شما ببینید در کتاب‌های اهل سنت «معاویه» کار را به جای رساند که:

« کانت بنو أمية إذا سمعوا بمولود إسمه علي قتلوه »

تاریخ مدینه دمشق، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي الوفاة:

۵۷۱، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵، تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ج

۴۱، ص ۴۸۱

اگر چنانچه می‌شنیدند خدا به پدر و مادری فرزندی داده و اسمش را علی گذاشتند این بچه را می‌کشتند، همان جنایاتی که فرعون درباره «موسی» کرد. شما تاریخ را بخوانید مذهب شیعه، از لای خون و کشته‌ها و سرهای بر بالای نیزه‌ها بیرون آمده است، مثل «میثم تمار»‌ها که او را بالای دار می‌زنند یکی دو دقیقه مانده جان بسپرد همان‌جا بالای دار هم از علی دفاع می‌کند، آخر کار زبانش را قطع می‌کنند!

شیعه این‌طوری به دست ما رسیده، مثل دیگر مذاهب نیست که در کنار رودخانه‌ها و مناطق سرسبز و کنار دریاها و در صفا، مذهب به دست ما رسیده باشد، نه؛ برای حفظ این مذهب، هزاران شهید و اسیر پای این مذهب خوابیده، خون دل‌ها خورده شده، نه تنها شیعه‌ها خیلی از اهل سنتی که دم از علی زدند پدرشان را در آوردند.

«ابن سقا» یکی از علمای بزرگ اهل سنت است بالای منبر رفت «حدیث طیر» را در فضیلت علی ابن ابیطالب مطرح کرد، این بدبخت بیچاره را از بالای منبر پایین کشانند و کتک زدند منبرش را آب کشیدند، گفتند منبری که در آن فضیلت علی گفته شود نجس شده است!! ببینید جو این‌طور بود.

«نَسائی» را هم که الان کتابش را برایتان آوردم، کتاب « سنن نَسائی» یکی از «صحاح سته» است، این کتاب برای «نَسائی» است، بعضی‌ها «نَسائی» می‌خوانند غلط است «نَساء» یکی از روستاهای اطراف «نیشابور» است.

این بنده خدا در «شام» در مسجد «دمشق» فضائل علی ابن ابیطالب را مطرح کرد، مردم تحمل نکردند او را از منبر پایین کشاندند مشت و لگد زدند، عذر می‌خواهم به قدری لگد زدند که مرادنگی‌اش ترکید، او را از مسجد بیرون بردند، گفت من را طرف «مکه» ببرید ده - پانزده کیلومتر از «شام» بیرون نرفته بود که در مسیر از دنیارفت!

«بنی عباس» هم همین برخورد را داشتند، آن‌ها هم رحم نکردند. فردی حدیثی در فضیلت علی ابن ابیطالب نقل کرد، «متوکل» دستور داد باید هزار ضربه شلاق به او بزنند!! بابا یک کسی که زنا بکند صد ضربه شلاق می‌زنند ولی این می‌گوید نه، فضیلت علی، پایه‌های حکومتی ما را متزلزل می‌کند. دوستان عزیز توجه داشته باشید مذهب این طوری به دست ما رسیده است!

### جهاد امروز ما، دفاع از ولایت امیرالمؤمنین است!

اگر ما نتوانیم از این مذهب خوب دفاع و پاسداری کنیم فردا اضافه بر این که پیش حضرت زهرا و امیر المؤمنین شرمنده هستیم نسل‌های آینده هم ما را لعنت می‌کنند، ولذا ما باید تلاش کنیم این مذهب را اولاً استدلالی و برهانی کنیم، که اگر یک کسی در خیابان، تاکسی، هواپیما، قطار از ما سوال کرد آقا دلیل شما برای امامت علی، از قرآن چیست؟ همان‌جا ما بتوانیم ده دقیقه از ولایت علی از قرآن برای او حرف بزنیم.

یا پرسید که دلیل شما از سنت برای امامت علی چیست؟ همان‌جا بتوانیم بلافاصله ده تا روایت آن هم با جلد و صفحه بیان کنیم و از علی دفاع کنیم، امروز جامعه ما این را می‌خواهد.



در دفاع از ولایت امیرالمؤمنین، یک روزی «میثم تمار» بالای دار می رود، سر «حجر ابن عدی» در بیابان بریده می شود و سر بریده اش برای زن و بچه اش هدیه فرستاده می شود؛ و امروز جهاد ما این است که در رابطه با این هجمه‌ی که نسبت به بحث ولایت و امامت و نظام جمهوری اسلامی برخواسته از فرهنگ اهل بیت است، ساکت ننشینیم و دفاع کنیم.

درباره هجمه هایی که به ولایت فقیه است که برخواسته از ولایت اهل بیت است، ما باید مجهز و مسلح باشیم. به تعبیر مقام معظم رهبری آتش به اختیار باشیم، فرصت ندهیم «وهابی»ها یا بعضی از سنی‌های متعصب یا بعضی از شیعه‌های دین به دنیا فروخته، عقاید اهل بیت را متزلزل کنند.

من بارها گفتم ما حداقل دو - سه تا روایت را با جلد و صفحه به خوبی حفظ کنیم، من از مدیر مدرسه آقای «جویباری» و دیگر عزیزان تقاضا دارم این را به مسابقه بگذارند. ما در شبکه «ولایت» یک برنامه‌ای گذاشتیم تحت عنوان "اثبات امامت الهی و خلافت بلافصل علی در پنج دقیقه" در «سایت مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولیعصر» هم گذاشتیم.

**این سه آیه، اُس اساس عقیده شیعه درباره امامت امیر المؤمنین است!**

در عرض پنج دقیقه، سه تا آیه و سه تا روایت مطرح کردیم؛ آیه ۶۷ سوره مائده، آیه ۵۵ سوره مائده، آیه ۳ سوره مائده. این سه آیه، اُس اساس عقیده شیعه درباره امامت امیر المؤمنین است.

«شیخ طوسی» می‌گوید آیه ۵۵ سوره مائده از قوی‌ترین ادله شیعه برای حقانیت امیر المؤمنین است. که فرمود:

## (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)

ولي شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

ما برنامه‌ای در سطح «ایران» و خارج «ایران» داشتیم شاید بیش از ۵۰۰ تا بچه زیر ده سال این را حفظ کرده بودند و ما هم به این‌ها جایزه دادیم. حتی یکی از آن‌ها یک دختر ۱۰ ساله از «یزد» بود که به شبکه وهابی «کلمه» زنگ زد به کارشناسش گفت آقا به من اجازه بدهید من در پنج دقیقه امامت الهی و خلافت بلافصل علی را برای بینندگان‌تان ثابت کنم، این وهابی بدبخت بیچاره رنگش پرید سریع تلفنش را قطع کرد.

همین قطع کردن تلفن دلیل بر این است که این‌ها حتی از بچه ۹ ساله ما هم می‌ترسند؛ چون این‌ها مسلح هستند یا به تعبیر مقام معظم رهبری، آتش به اختیار هستند. این شبکه‌ها میلیون‌ها بیننده دارد، این بچه شیعه می‌آید و می‌گوید من حاضر هستم در پنج دقیقه از کتاب‌های شما، با سند صحیح امامت علی را اثبات کنم.

آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ) دو تا بحث دارد: یکی این‌که این آیه در حق چه کسی نازل شده؟ دوم دلالتش چیست؟ خیلی راحت کلاس پنجم ابتدای هم می‌فهمد! در کتاب‌های اهل سنت «تفسیر طبری» جلد ۶، صفحه ۲۹۸ می‌گوید این آیه در حق علی نازل شده، «ابن ابی حاتم» در «تفسیر» خودش جلد ۴، صفحه ۱۱۶۲ می‌گوید آیه در حق علی نازل شده، «آلوسی» «سلفی» از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب «روح المعانی» می‌گوید:

«غالب الأخباريين على أنها نزلت في علي كرم الله تعالى وجهه»

غالب محدثین بر این عقیده هستند که این آیه در حق علی نازل شده.

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين

السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: ١٢٧٠هـ ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ٦،

ص ١٦٧

باز در همان کتاب جلد ٦ صفحه ١٨٦ می‌گوید:

«والآية عند معظم المحدثين نزلت في علي كرم الله تعالى وجهه»

پس نزول آیه در حق علی، از کتب اهل سنت با سند معتبر ثابت است، «ابن تیمیه» هم در «منهاج السنة»

می‌گوید «تفسیر طبری» و «تفسیر ابن ابی حاتم»؛

«متضمنة للمنقولات التي يعتمد عليها في التفسير»

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني، دار النشر: مؤسسة قرطبة -

١٤٠٦ ، الطبعة : الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٧، ص ١٧٩

پس مسئله ثابت شد! چرا که در اینجا خدای عالم می‌گوید ولی شما الله است، ولی شما پیغمبر است، ولی شما

آن آقای است که در رکوع، انگشترش را به سائل داد.

ولایت خدا به چه معناست؟ ولایت به معنای محبت است؟ هر چه! به معنای دوست است؟ به معنای ولی امر

است؟ به معنای حاکم است؟ هر معنای شما درباره ولی، در حق خدا دارید، هم در حق پیغمبر و هم در حق علی

ابن ابیطالب مطرح است.

در اینجا شما نمی‌توانید بگویید «ولی» یعنی این که دوست شما فقط خدا است. زیرا قرآن می‌گوید:

**(وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ)**

و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند.

**سوره توبه (۹): آیه ۷۱**

پس این جا ولایت، یعنی سلطنت، قیومیت، حکومت! همانکه در آیه ۶ سوره احزاب دارد:

**(النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)**

پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است.

**سوره احزاب (۳۳): آیه ۶**

آیه بعد، آیه ۶۷ سوره مائده است که فرمود:

**(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)**

ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به سویی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای

**سوره مائده (۵): آیه ۶۷**

باز در «تفسیر ابن ابی حاتم» جلد ۴، صفحه ۱۱۷۲ یا ۱۱۶۲ می‌گوید این آیه در حق علی نازل شده. آقای

«آلوسی» در تفسیرش می‌گوید «عبدالله بن مسعود» می‌گوید ما در زمان پیغمبر این آیه را این‌طوری

می‌خواندیم:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ

پیغمبر آئی که وحی کردیم به مردم برسان چه است؟ علی ولی امر مؤمنین است اگر انجام ندهی

رسالت ناتمام است

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين

السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: ١٢٧٠هـ ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ٦، ص

١٩٣

آقای «سیوطی» متوفای ۹۱۱ در تفسیرش «در المنثور» جلد ۲، صفحه ۲۹۸ می‌گوید این آیه در حق علی نازل شده، و همین عبارت «عبدالله ابن مسعود» را هم دارد. «شوکانی» در «فتح القدير» جلد ۲، صفحه ۶۰ می‌گوید این آیه را ما زمان پیغمبر این طوری می‌خواندیم.

آیه سوم، آیه ۳ سوره مائده است که می‌فرماید:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)

امروز دین شما را برایتان کامل کردم

سوره مائده (۵): آیه ۳

سؤال ما این است که این کدام دین است؟ همه معتقد هستند بر این که، این آیه از آخرین آیاتی است که بر پیغمبر نازل شده؛ چون سوره مائده، آخرین سوره است بعد از آن سوره ای نیامده و هیچ یک از آیاتش هم نسخ نشده است.

آقای «خطیب بغدادی» در «تاریخ بغداد» جلد ۸، صفحه ۲۸۴ می‌گوید پیغمبر، علی را روز ۱۸ ذی الحجه برای امامت و ولایت نصب کرد و صحابه از جمله در رأس آن‌ها عمر ابن الخطاب آمد تبریک گفت و جبرئیل نازل شد و (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)! را آورد.

این سه تا آیه هم‌هانش هم از کتب اهل سنت است، یک مورد هم از کتب شیعه ما نمی‌خواهیم بخوانیم.

سه حدیث ناب، در اثبات ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

اما درباره احادیث حقانیت ولایت امیرالمؤمنین؛ ما سه تا حدیث انتخاب کردیم. یک: حدیث ولایت است که فرمود:

«أنت ولي كل مؤمن بعدي ومؤمنة»

تو ولی تمام مؤمنین بعد از من هستی.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیشابوری الوفاة: ۴۰۵

هـ، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۰م ، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد

القادر عطا، ج ۳، ص ۱۴۳، ح ۶۷۵۲

«حاکم نیشابوری» هم می‌گوید این حدیث با شرائط «صحیح مسلم» است.

حدیث دوم، حدیث خلافت است که فرمود:

«یا علی أنت خلیفتی فی کل مؤمن ومؤمنة من بعدي»

باز «حاکم نیشابوری» در «مستدرک» جلد ۳، صفحه ۱۳۳، کتاب «السنه» «ابن ابی عاصم» با تصحیح

«آلبانی» از علمای بزرگ وهابی عربستان سعودی، صفحه ۵۵۱ می‌گوید روایت صحیح است.

و حدیث سوم، حدیث امامت است که باز «حاکم نیشابوری» در «مستدرک» می‌گوید:

«قال رسول الله أوحى إلي في علي ثلاث أنه سيد المسلمين وإمام المتقين وقائد الغر المحجلين هذا

حدیث صحیح الإسناد ولم یخرجاه»

سومین ویژگی که در حق علی نازل شده این است که حضرت؛

« إمام المتقين»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری الوفاة: ٤٠٥

هـ، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ١٤١١هـ - ١٩٩٠م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد

القادر عطا، ج ٣، ص ١٤٨

پس سه تا روایت: «أنت ولي كل مؤمن بعدي ومؤمنة»؛ «يا علي أنت خليفتي في كل مؤمن ومؤمنة من بعدي»؛

و « أنه إمام المتقين» را از منابع اهل سنت با این صراحت داریم دیگر شما چه می‌خواهید؟

سه تا روایت با سند و آدرس، سه تا هم آیه در کمتر از ٥ دقیقه می‌شود این‌ها را بیان کرد، این را ان شاء الله

عزیزان ما تنظیم بکنند. ما بیش از پنج هزار بچه زیر ١٠ سال در استان‌های مختلف و کشورهای مختلف داریم

که این سه آیه و سه روایت را حفظ هستند.

عرض کردم این شعار ما بوده «اثبات امامت الهی و خلافت بلافصل علی در پنج دقیقه» هر کس هم در شبکه

می‌آمد پنج دقیقه و پنج ثانیه می‌شد قبول نمی‌کردیم می‌گفتیم جایزه نمی‌دهیم چون پنج ثانیه بیشتر شد.

دقیقاً پنج دقیقه بیشتر از پنج دقیقه نه!

باید کاملاً این مطالب در آستین‌مان باشد. لذا این‌که در دفترم یادداشت کردم، نمی‌دانم استاد این‌طوری

می‌گفت؛ این‌ها به درد امروز نمی‌خورد. امروز ما باید بحث‌مان، بحث‌های مستدل و مستند باشد.

## این روز مبارک را از دست ندهید!

من یک روزی کنار «بیت الله الحرام» طواف می‌کردم، دیدم یک آقای دست روی شانه من گذاشت؛ نزدیک «حجر الاسود» بودم، شب ۱۳ رجب، مکه غوغا است، شب میلاد امیر المؤمنین «ایرانی»ها، «پاکستانی»ها، «عراقی»ها و شیعه‌های که آن‌جا آمدند، آن‌جا نه مداحی است نه جلسه‌ی است. مردم نزدیک «رکن یمانی» همان‌جا که دیوار کعبه شکاف برداشته «فاطمه بنت اسد» وارد شده و امیر المؤمنین به دنیا آمده آن‌جا را نگاه می‌کردند اشک می‌ریختند. دیگر آن‌جا احتیاجی به روضه خوان و مداح نیست.

اصلاً «بیت الله» و نگاه کردن به آن دیوار، اشک شوق از چشم آدم جاری می‌کند. هر کسی هم وارد «بیت الله الحرام» می‌شد، ده - پانزده تا کارتن شیرینی دستش گرفته بود به طوری که تعداد خیلی زیاد بود مراقب بود که زمین نخورد، می‌آوردند آن‌جا و بین مردم توزیع می‌کردند یعنی ۱۳ رجب، «مکه» دیدنی است!

یادم نمی‌رود پنج - شش ساله که بودیم شاید هنوز مدرسه هم نمی‌رفتیم وقتی ما می‌شنیدیم که حضرت امیر در ۱۳ رجب در کعبه متولد شده و دیوار «کعبه» شکاف برداشته، همان زمان می‌گفتیم خدایا می‌شود ما یک روزی، روز میلاد حضرت علی در کنار کعبه باشیم؟ به قولی آرزو بر نوجوانان عیب نیست، آرزو بر اطفال هم عیب نیست.

خدای عالم توفیق داد دو مرتبه ۱۳ رجب «مکه» بودم؛ یعنی واقعاً «مکه» تماشای است. هزاران برابر از ایام حج، ۱۳ رجب، مکه دیدنی است، حج واجب بحث جدای است که ان شاء الله خدا به همه‌تان قسمت کند؛ ولی از خدا بخواهید مخصوصاً خدای عالم ۱۳ رجب، زیارت مکه نصیب‌تان کند.

دیدم بنده خدا دست روی شانه من گذاشت برگشتم گفتم:



«ما هذه الخرافات التي تعتقدون بأن علي بن ابيطالب ولد في جوف الكعبة»

این خرافات چیست که شما شیعه‌ها و ایرانیها می‌گویید علی در داخل کعبه متولد شده است؟

خیلی طلبکارانه می‌گفت. گفتم این خرافات است؟ گفت بله، گفتم «حاکم نیشابوری» را می‌شناسی؟ گفت بله از علمای بزرگ ما است. گفتم «مستدرک» او را خواندی؟ گفت: بله کتاب معتبری است. گفتم ایشان در جلد ۳، صفحه ۵۵۰ نقل می‌کند:

«فقد تواترت الأخبار أن فاطمة بنت أسد ولدت أمير المؤمنين علي بن أبي طالب كرم الله وجهه في جوف الكعبة»

روایات متواتر داریم که «فاطمه بنت اسد» علی را در داخل «کعبه» به دنیا آورد.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری الوفاة: ۴۰۵ هـ ، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۰م ، الطبعة: الأولى ، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۵۵۰

این شخص خشکش زد و چشمانش از حدقه داشت بیرون می‌آمد، چون جلد و صفحه‌اش را گفتم. روایت متواتر هم، از دیدگاه اهل سنت مثل آیه قرآن است می‌گویند:

« مَنْ أَنْكَرَ الْمُتَوَاتِرَ فَقَدْ كَفَرَ »

هر کس روایت متواتر را انکار کند کافر است.

الفتاوی الهندیة فی مذهب الإمام الأعظم أبي حنيفة النعمان، اسم المؤلف: الشيخ نظام وجماعة من علماء الهند، دار النشر: دار الفكر - ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۱م؛ ج ۲، ص ۲۶۵

یعنی بین آنها اتفاقی است، همین طوری ماند و چیزی نگفت. یک مقداری صحبت کردیم این قضیه تمام شد. فردا شب من مشغول طواف بودم، دیدم آمد و من را پیدا کرد، گفت: "من امروز رفتم کتابخانه هر چه گشتم این روایت را در آن صفحه ای که شما گفتید پیدا نکردم."

گفتم این که من گفتم در «مستدرک» ۴ جلدی، چاپ بیروت، دار الکتب العلمیه، با تحقیق دکتر «مرعشی» است، گفت نه آن کتابی که ما داریم ۲ جلدی بود.

گفت: "من می‌توانم به محل سکونت شما بیایم و در کامپیوترت روایت را بیاوری تا من این روایت را از نزدیک ببینم؟ من چهار پنج ساعت زحمت کشیدم که روایت را پیدا کنم،" ببینید یک تلنگر که به ذهن این‌ها زده می‌شود باعث می‌شود این‌ها بیشتر تحقیق کنند.

### علاقه جوانان وهابی به معارف دینی، از علاقه بچه شیعه‌ها خیلی بیشتر است

این نکته را هم خدمت شما بگویم من خیلی با جوان‌های «وهابی» بودم. شاید ده برابر جوان‌های شیعه با جوان‌های «وهابی» من سر و کله زدم. علاقه آن‌ها به معارف دینی، از علاقه بچه شیعه‌های ما خیلی بیشتر است.

من شب‌ها «دانشگاه ام القری» می‌رفتم. «دانشگاه ام القری» تنها دانشگاهی در «مکه» است که وهابی پرور است. مثل دانشگاه «امام حسین» ما که فرماندهان سپاه تربیت می‌کند، سپاهیان ویژه تربیت می‌شوند. اگر کسی بخواهد «دانشگاه امام حسین» برود باید هزار خان رستم را رد کند تا آنجا برود.

«دانشگاه ام القری» هم این طوری است، فارغ التحصیلان‌شان یا سفیر می‌شوند یا خطیب جمعه می‌شوند یا قاضی القضاات می‌شوند و خیلی هم این دانشگاه، امنیتی است!

من شبها در خوابگاه این دانشگاه می‌رفتم و با دانشجویها تا سحر بحث می‌کردیم. ماه رمضان هم بود، سحری مفصلی هم می‌آوردند. این‌ها ماشاء الله بخور هستند. سحری را آوردند ما هم به مال مفت رسیدی هلاک کن خود را! که گاه گاه چنین اتفاق می‌افتد!

ما هم گفتیم خدا روزی کرده چرا نخوریم! در خانه‌هایمان همچنین غذاهای رنگارنگ پیدا نمی‌شود، مهمانی هم دعوت می‌کنند می‌گویند آقا زاهد است، غذاهای رنگارنگ نباید بیاوریم. آبگوشت و آبدوغی می‌آورند.

«آقای ملایری» نقل می‌کرد، مرحوم آقای «کاشانی رضوان الله تعالی علیه» هر روز سی - چهل نفر در خانه‌اش مهمان بودند هر روز هم آبگوشت بار می‌گذاشت. مهمان هم می‌آمد آبش را بیشتر می‌کرد، یک روز من گفتم که آقای «کاشانی» چند روزی که ما این‌جا هستیم در این آبگوشت، گوشتی ندیدیم، ایشان انگشت‌هایش را در آبگوشت کرد و گفت مادامی که انگشت من در این‌جا است گوشت دارد، آب گوشت!!

در هر صورت ...

ما شبها می‌رفتیم و با این‌ها سر می‌کردیم، آقای «نواب» که الان در «شورای عالی مدیریت» هستند، ایشان «مسئول بعثه مقام معظم رهبری» بودند گفت آقای «قزوینی» آخر این «وهابی»ها تو را می‌کشند، آخر شما کجا و رفتن در خوابگاه کجا، دانشگاه «ام القری» مثل این‌که در لانه زنبور بروی و با این‌ها صحبت کنی!

گفتم اولاً: کشته شدن به خاطر دفاع از علی عشق است، من دو بار روز «عید غدیر» حرم امام رضا بودم. از امام رضا خواستم آقا اگر می‌خواهی به من عیدی بدهی شهادت در راه علی را نصیب من بکن، نمی‌دانم امام رضا قبول کرد یا نه نمی‌دانم، گفتم شهید شدن در راه علی عشق است. ثانیاً: جوان‌های «وهابی» علاقه‌شان به مسائل دینی از جوان‌های ما بیشتر است.

این‌ها هر شب، بعد از نماز تراویح به هتل می‌آیند، من را سوار ماشین می‌کنند به خوابگاه‌شان می‌رویم با این‌ها حرف می‌زنیم، بحث می‌کنیم، سوال می‌کنند، و ما هم جواب می‌دهیم، ما سوال می‌کنیم این‌ها نمی‌توانند جواب بدهند تا سحر هفت - هشت ساعت با این‌ها گعده می‌کنیم و آن‌ها به این قضیه علاقه دارند.

### جمله ماندگار یک جوان وهابی به آیه الله خامنه ای

یک شب در طبقه بالای «بیت الله الحرام» پشت بام با ده - دوازده تایی از این‌ها بحث می‌کردیم، یکی از این‌ها یک جمله‌ی گفت، من آن جمله را همان فردا یا پس فردایش با آیت‌الله ری‌شهری که آن زمان مسئول بعثه بودند مطرح کردم و به ایشان گفتم و مکتوب هم به ایشان دادم که یکی از دانشجویان «دانشگاه ام القری» برگشت گفت که فلانی، شما افتخار کنید و به خودتان ببالید رهبری دارید که می‌گوید «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»! ولی متأسفانه رهبران ما برای نوکری «آمریکا» افتخار می‌کنند!

فرق رهبران شما با ما این است، رهبر شما می‌گوید «آمریکا» هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، رهبران ما که می‌خواهند افتخار و مباحات بکنند، می‌گویند ما نوکر «آمریکا» هستیم!

بعد به من گفت اگر یک روزی مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای را دیدید از طرف ما دست ایشان را ببوسید بگویید ما دانشجویان آرزو می‌کنیم که یک رهبری مثل شما در «عربستان» داشتیم، بعضی از جوان‌های وهابی اینچنین هستند.

پیرمردها هر چه بوده تمام شد و رفت. خدا هم از بالا برای‌شان یک نامه‌ی بفرستد، پیغمبر هم زنده بشود، این‌ها به صراط مستقیم نمی‌آیند؛ ولی جوان‌های این‌ها نود درصدشان عاشق مسائل و معارف دینی هستند.

این جوان به هتل آمد من کامپیوترم را در لابی هتل آوردم و روایت را به او نشان دادم و چند تا سوال دیگر کرد من جواب دادم. کتاب را آوردم دید، دیدم چشم‌هایش پر از اشک شد به من گفت فلانی من تأسف می‌خورم

که ما این همه ترائی داریم، آثاری در منابع و کتاب‌های مان داریم ولی ما بی‌خبر ماندیم؛ نه علما به ما این‌ها را می‌گویند نه اساتید ما و نه ما حوصله داریم این‌ها را مطالعه کنیم.

### اساسی‌ترین شیوه مناظره با مخالفین دین و مذهب

ببینید «الناس أعداء ما جهلوا»؛ همین است، اگر آدم با این‌ها صحبت بکند؛ نه اینکه فحش و اهانت به مقدسات اینها بکند و انتظار هم داشته باشد او حرف شما را قبول کند نه!

من بارها گفتم آلد اعداء دین و خدا و پیغمبر، «فرعون» است، اولین و آخرین نفری است که:

(أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى)

و گفت پروردگار بزرگتر شما منم

سوره نازعات (۷۹): آیه ۲۴

می‌گوید! نه قبل از فرعون کسی همچنین حرفی زده و نه بعد از او کسی همچنین حرفی زده است. فرعون به جنگ خدا رفته می‌گوید:

(يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ)

و فرعون گفت ای هامان برای من کوشکی بلند بساز شاید من به آن راهها برسم!

سوره غافر (۴۰): آیه ۳۶

می‌گوید یک برجی برای من درست کن بالای برج بروم، خدای موسی را با تیر بزنم و بکشم و دیگر از شر موسی و خدایش راحت بشویم. نه قبل از فرعون، همچنین حرفی زده شده نه بعد از فرعون! ولی شما ببینید خدای عالم حضرت موسی و هارون را برای هدایت فرعون می‌فرستد می‌گوید:

(فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا)

و با او سخنی نرم گوید.

مبادا ای موسی با فرعون بروید و درشت حرف بزنید، مبادا الفاظ تند و الفاظ گزنده بگویید. حرفی نگوید که او ناراحت بشود و دلش برنجدا!

(فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا)

خیلی نرم، با محبت و با لطافت با او حرف بزنید چرا؟

(لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى)

شاید که پند پذیرد یا بترسد.

سوره طه (۲۰): آیه ۴۴

شاید او موعظه بر دارد و بیدار شود. این منطق قرآن است.

**این هم نتیجه اهانت به مقدسات اهل سنت!!**

این که می بینید بعضی ها بر منبر یا بعضی از مداحها، بعضی از شبکه های که به اسم شیعه است ولی به اسم شیطان است مثل «اللهیاری» و «یاسر الحیب» شروع می کنند به خلفاء بد و بیراه گفتن و فحش دادن، این درست نیست.

من بارها گفتم آقای «یاسر الحیب» این همه فحش دادی چه کار کردی؟ این همه برای شب مرگ «عایشه» جشن گرفتید و «عایشه فی النار، عایشه فی النار» گفتید، آخوندها لباس قرمز و کلاه های قرمز پوشیدند و جشن گرفتند چه شد؟

شما ببینید وقتی داعش به «موصل» وارد شد همان هفته اول «دانشکده افسری موصل» را تصرف کرد، در یک روز ۱۷۰۰ دانشجوی شیعه را به رگبار بست، من کلیپش را دارم که گلوله را وقتی به شقیقه دانشجو می‌گذارد می‌گوید «هذا انتقام عائشه فی النار» این انتقام آن جشنی است که «یاسر الحبيب» در «لندن» در شبکه ماهواره‌یش برای مرگ «عایشه» گرفت. آیا این درست است؟

من در «کابل» بودم یکی از اساتید برای من مستقیم نقل کرد گفت ما داشتیم به «مزار شریف» می‌رفتیم، چند تا از طالبان آمدند جلوی ماشین ما را گرفتند، دو تا از بچه شیعه‌ها را جلوی زن و بچه‌شان پایین بردند به قدری به بدن‌شان گلوله زدند که بدن‌شان مثل لانه زنبور شد، بعد داخل ماشین آمدند و گفتند به «اللهیاری» تان که در شبکه‌اش به ابوبکر و عمر فحش می‌دهد پیام بدهید جواب فحش‌های شما این است! اگر فحش بدهد باز همچنین جوابی ما داریم. نتیجه این شد! آیا حضرت زهرا راضی است؟

آیت‌الله العظمی «بهجت» یک جمله‌ی دارد در اینترنت هم سرچ کنید «بهجت عید الزهرا» مشاهده می‌کنید که ایشان می‌گویند اگر شما به بهانه «عید الزهرا» به مقدسات اهل سنت ناسزا بگویید و آن طرف دنیا، نسبت به شیعه هتک حرمت کنند، شما مقصر و سهیم هستید، یک شیعه را بکشند در قتل آن شیعه شما هم سهیم هستید. این نتیجه کار است.

### اعتراض یکی از مرجع معظم تقلید، به آیه الله قزوینی!

اتفاقاً یکی روزی یکی از آقایان مراجع من را خواست، گفت آقا می‌گویند شما وقتی اسم خلفاء را می‌آورید، مثلاً می‌گویید "آقای ابوبکر"، "جناب عمر"، بعضی‌ها خرده می‌گیرند که آقای «قزوینی» چرا این طوری می‌گوید؟! گفتم: حاج آقا، من یک "جناب" می‌گویم بعد می‌آیم جنایات این‌ها را مطرح می‌کنم، جناب عمر این کارهای خلاف را انجام داد. همین دو تا جناب می‌گوییم بچه سنی، حرف من را گوش می‌دهد.

من موبایلم را خدمت ایشان دادم گفتم: حاج آقا چند تا پیامکی که برای من آمده شما ببینید شماره تلفنش هم است. مثلاً یکی نوشته است: "سلام من سنی بودم اما بحث‌های دکتر قزوینی باعث شد من به مرور به حقیقت توحید و حقانیت علی پی بردم."

پیامک بعدی: "سلام با مو شکافی دقیق آیت‌الله قزوینی یقین پیدا کردم مذهب شما حق است!" و یا "سلام من سنی بودم آن‌چنان سخنان آیت‌الله قزوینی با دلیل و سند قاطع رویم تأثیر گذاشت که شیعه شدم."

و این پیامک: "سلام بر استاد! از خدا برای شما سلامتی آرزو می‌کنم. من چندی پیش شیعه شدم. بعد خانواده‌ام شیعه شدند؛ چون از اهالی قبیله باسوادترم تحقیقات من را قبول دارند در شب «عید غدیر» همه قبیله ما که ۵۰۰ نفر بودند شیعه شدند."

آیا چهار تا احترام بگذاریم و فرمایش **(فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا)** را اجرا کنیم و نتیجه‌اش این باشد این بهتر است، و حضرت زهرا از این بیشتر خوشحال است یا نه، بیایید یک حرفی بزنید که ۱۷۰۰ تا بچه شیعه را در یک روز قتل عام بکنند، به خاطر این‌که آن آقا در شبکه ماهواره‌اش دارد جشن فوت «عایشه» را می‌گیرد، لباس قرمز می‌پوشند، تنبک می‌زنند و اظهار شادی می‌کنند؟! کدامیک بهتر است!؟

یک روز آقای «دانشمند» به منزل ما آمده بود، همین که از منبری‌های بزرگ است. ایشان در «یزد» حدود ۲۷- ۲۸ سال قبل بود، آن‌جا یک سنی نامه‌ی به او داده بود، عصبانی شده بود بالای منبر رفته بود شروع کرده بود و گفته بود هر چه سنی است بر پدرش لعنت، همه زنا زاده هستند، بر عمر لعنت و.. حسابی داغ کرده بود. خودش می‌گفت: "من رفته بودم «زاهدان»، آقای «عبدالحمید» که خودش را رئیس اهل سنت ایران می‌داند دست من را گرفت، خم شد بیوسد، گفت آقای «دانشمند» ما دست شما را می‌بوسیم. آقای «دانشمند»، خدمتی که شما به جوان‌های ما کردی هیچ کس نکرده است.



گفتم چطور؟ گفت جوان‌های ما با این بحث‌های که آقای «قزوینی» و دیگران دارند داشتند به طرف مذهب شیعه کشیده می‌شدند؛ ولی آن فحش رکیکی که شما دادید، جوان‌های ما را در عقیده‌شان محکم کردی، من باید دست شما را ببوسم، شما خدمت بزرگی به ما کردید." اصلاً آن‌ها از خدای‌شان است که عده ای اینگونه رفتار کنند.

### جوان سنی، با این انگیزه، کمر بند انفجاری به خود می‌بندد!

در «کاشان» هیئتی بود که وزارت اطلاعات گرفت و حسینه‌شان را هم خراب کرد. می‌گفتند ما مدرک قطعی داریم که از «عربستان» برای رئیس این هیئت پول می‌دادند، که آقا شما در هیئتتان به عمر و ابابکر و عایشه فحش بدهید، فیلم بگیرید و برای ما به «عربستان سعودی» بفرستید.

آنها هم این فیلم را بر می‌دارند برای چهار تا بچه سنی پخش می‌کنند می‌گویند ببینید شیعه‌ها این‌ها هستند! این هم جوان‌ها را تحریک می‌کند کمر بند انفجاری را ببندد، هم خودش را بکشد، هم صد تا شیعه را بکشد.

همین «عبدالمالک ریگی» را که دستگیر کردند من دیدم تلویزیون یک مستندی پخش می‌کند، از او سوال کردند شما چه کار می‌کنید این جوان سنی کمر بند انفجاری می‌بندد، هم خودش را تکه تکه می‌کند، هم چهار تا بچه شیعه را می‌کشد؟ چقدر روی این‌ها کار می‌کنید که به این مرحله می‌رسند؟

آدم یک دفعه در جنگ است و خبر ندارد، به هوای این‌که من طرف را از بین می‌برم یک دفعه گلوله‌ی می‌آید و شهید می‌شود؛ ولی یک دفعه نه، کمر بند انفجاری و بمب به خودش می‌بندد و یقین دارد که دارد با دست خودش، خودش را نابود می‌کند. این خیلی جرأت می‌خواهد!

از او پرسید شما چند سال کار می‌کنید که جوان‌ها به این مرحله می‌رسند؟ گفت اصلاً به چند سال نمی‌رسد. ما می‌آییم چهار تا آخوندها و مداحانی که به عمر و ابوبکر فحش دادند نوار و فیلمش را برای این‌ها می‌گذاریم، بعد

فیلم این‌ها که در بیوتات مراجع و جاهای دیگر مداحی می‌کنند را هم می‌گذاریم می‌گوییم ببینید این آقا که مداح مثلاً بیت فلان مرجع است نسبت به عایشه و عمر چقدر جسارت وقیحی دارد؟

می‌گوید وقتی این فیلم‌ها را برای این‌ها باز می‌کنیم این می‌شود بشکه باروت! هر چه ما بگوییم عمل می‌کند، حتی بگوییم برو پدرت را هم قطعه قطعه کن انجام می‌دهد.

ولذا ما باید دقت کنیم از الان این را در ذهن‌تان داشته باشید که فحش دادن، توهین کردن دلیل کسی است که دلیل ندارد، یک کسی که دلیل دارد فحش نمی‌دهد.

«علامه حلی» کتابی به نام «الفین»؛ یعنی «دو هزار» نوشته، هزار دلیل برای حقانیت امیرالمؤمنین آورده و هزار دلیل برای بطلان دیگران آورده است. وقتی من در مذهبم هزار تا دلیل دارم چرا بروم فحش بدهم؟ چرا بروم توهین کنم؟ توهین کسی می‌کند که دستش از دلیل و برهان خالی است.

اگر ما بیاییم معارف اهل بیت را خوب به مردم معرفی بکنیم به قول آقا امام رضا:

«فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»

اگر مردم زیبای کلام ما را ببینند از ما تبعیت می‌کنند.

عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ ابن بابویه، محمد بن علی، نشر جهان - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ق، ج ۱؛

ص ۳۰۷

من روزی برنامه زنده داشتم، خانمی از «نیویورک» زنگ زد گفت: فلانی ما بیست، بیست و پنج سال است که این‌جا زندگی می‌کنیم؛ این‌جا همسایه‌هایمان یا سنی و یا وهابی هستند، بحث شیعه و سنی که می‌شد من از جلسه بیرون می‌آمدم، چون نه طاقت شنیدن داشتم و نه توان علمی که جواب بدهم داشتم، من سه چهار ماه است برنامه شما را می‌بینم، الان دنبال یک سنی یا وهابی می‌گردم تا با او مناظره کنم!

ببینید مذهب این است، من این مطالب را که می‌گویم نه به عنوان این که چون یک عالم شیعی هستم می‌گویم؛ چون من با بیش از دویست - سیصد تا از مفتیان این‌ها سر و کله زدم. قاطعانه می‌گویم تنها مذهبی که با قرآن تطبیق می‌کند و از متن قرآن برخواسته و با سنت پیغمبر تطبیق می‌کند و حقانیتش در کتاب مخالفین آمده، مذهب شیعه است. قضیه حقانیت امیرالمؤمنین، مثل الان که شب است چقدر برای شما روشن است، اگر کسی بیاید بگوید دلیل بیاور، اصلاً دلیل می‌خواهد! نه، مذهب شیعه این‌طوری حق است.

الان در داخل کشور به برکت همین بحث‌ها، نزدیک ۵۰ تا از علمای بزرگ اهل سنت از مولوی‌های شرق کشور، آخوندهای قسمت «گلستان» و ماموستاهای غرب کشور - چون در شرق کشور به آخوندهای رتبه بالای‌شان «مولوی» می‌گویند و در غرب کشور مانند «کردستان» به روحانیون‌شان «ماموستا» می‌گویند، و در قسمت‌های «گلستان» آخوند می‌گویند - ما نزدیک به ۵۰ تا از این روحانیون را داریم که مکتب اهل بیت را تبلیغ می‌کنند.

این‌ها چند وقت قبل هم «قم» بودند، هرکدام از این‌ها ۳۰ الی ۵۰ سال مبلغ اهل سنت بوده‌اند؛ وقتی مطلب را می‌بینند - همان‌طوری که شما در صفحه نمایش می‌بینید - پی به حقانیت تشیع می‌برند. مثلاً یکی از «ماموستا»ها پیام فرستاده: "سلام بنده «رشیدی» هستم از «سندج» بارها با همین شماره از سر لجاجت زنگ زدم مناقشه کردم، امشب که ۷ مهر است برنامه‌های شما را دیدم به حقانیت جانشینی حضرت علی، ایمان قطعی آوردم!"

ما الان نزدیک ۵۰ تا آخوندهای‌شان داریم که مبلغ شیعه هستند. ۸۳-۸۴ تا طلبه‌های‌شان داریم شیعه شدند و مبلغ شیعه هستند. ما نزدیک به ۱۱۰ تا ۱۱۵ تا مهندس، دکتر و استاد دانشگاه در داخل کشور داریم، در همین ۱۰-۱۵ سال غالباً هم با برنامه‌های خود ما الحمد لله رب العالمین شیعه شدند و از شیعه تبلیغ می‌کنند.

آیا این‌ها خوب است؟ یا من بروم چهار تا فحش دری وری به این‌ها بدهم و الفاظ رکیک به کار بگیرم، آن هم عقده‌ی بشود به من دسترسی پیدا نمی‌کند، برود سر چهار تا شیعه خالی کند.

ولذا توصیه من است همان‌طور که دفعه قبل هم به شما گفتم خوب درس بخوانید. صرف، نحو، منطق، معانی بیان و فقه و اصول تان همه خوب باشد، و این درس‌ها را مقدمه قرار بدهید و بگویید خدایا من این‌ها را دارم می‌خوانم که از دینت از مذهب، از ولایت فردا بتوانم دفاع کنم، ما به اندازه کافی الحمد لله فقیه در حوزه داریم، ما آن‌که الان نداریم مدافع ولایت است، با این‌که امام صادق فرمود:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصُّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ»

اساس اسلام روی پنج ستون استوار است نماز، زکات، حج، روزه و ولایت!

«وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِي بِالْوَلَايَةِ»

الكافي (ط - الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲؛ ص ۱۸

یا دارد:

«مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

الكافي (ط - الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱؛ ص ۳۷۸

نمی‌گوید: «من مات بلا صلاة مات ميتة جاهلية!»

بازهم دارد:

## «مَنْ مَاتَ وَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مَيَّةً جَاهِلِيَّةً»

الكافي (ط - الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۲، ص ۲۱

نمی‌گوید: «من مات ولم يعرف الحج مات ميتة جاهلية!»؛ و تلاش کنید در این حوزه، قهرمان بشوید و فردای قیامت پیش زهرای مرضیه که اولین شهیده راه ولایت است سربلند بشوید. اگر دوستان سوالی هم دارند من در خدمت هستم.

**پرسش:**

چرا با اینهمه ادله که شما گفتید، شیعیان زیادی هستند که به طرف اهل سنت رو آورده‌اند؟

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

شما به من آمار بدهید در طول حداقل ۱۰۰ سال اخیر چند تا شیعه سنی شده و چقدر اهل سنت، شیعه شدند؟ اگر بتوانید به اندازه انگشت یک دست‌تان به من آن‌های که شیعه بودند رفتند سنی شدند آمار با اسم و مشخصات به من بدهید به شما جایزه می‌دهم!

جناب آقای «شهرستانی» داماد آیت‌الله «سیستانی» برای من نقل می‌کرد می‌گفت: در «بندر گناوه» رفته بودیم در آن‌جا گفتند در یکی از روستاها همه شیعه هستند ولی یک آقای سنی شده و مسجد که می‌آید دست بسته نماز می‌خواند.

آقای «شهرستانی» گفت می‌خواهم این شخص را ببینم. گفتند: این روستا ماشین رو نیست خیلی سخت است. گفتم: باشد می‌رویم. یک ماشین شاستی بلند آوردند به آن‌جا رفتیم به منزل آن عالم رفتیم. آن شخص را آن‌جا آوردند، گفتم آقا جان شما که سنی شدی دلیل داری و تحقیقی کردی که رفتی سنی شدی؟

آن آقا به من گفت: "حاج آقا من هشت - نه سر عائله هستم، شب برای بچه‌هایم نان نمی‌توانم تهیه کنم، یک آقای به من گفته من هر ماه ده کیلو برنج، یک کیلو روغن، یک کیلو شکر می‌دهم، شما این‌طوری نماز بخوان.

شما به جای ده کیلو برنج، یازده کیلو برنج به من بده هر طوری بخواهی نماز می‌خوانم!"

اگر این‌طوری باشد اصلاً شیعه بودنش هم شیوه است به درد نمی‌خورد، اگر آن طرف برود ما راحت‌تر هستیم؛ ولی یک دفعه کسی بیاید تحقیق و بررسی کند و بر مبنای تحقیق برود سنی بشود، بحث آن جداست.

شما اگر پنج نفر برای من نشان بدهی که بگویند من رفتم تحقیق کردم به این نتیجه رسیدم که مذهب اهل سنت حق است من ۵۰۰ هزار تومان در جا به شما جایزه می‌دهم از این بهتر!

من نود درصد عمرم را در این حوزه گذاردم، من سال ۴۸ وارد «قم» شدم. در همین مدرسه یک مدتی بودم، آن زمان حتی خیلی از شماها در صلب پدران‌تان هم نیامده بودید. ۹۰ درصد عمرم را در بحث ولایت گذراندم.

من حتی پنج نفر نه، دو نفر شیعه پیدا نکردم تا به حال بگویند من رفتم تحقیق کردم به این نتیجه رسیدم مذهب اهل سنت حق است. این‌هایی هم که آن طرف رفتند یا با پول بوده، یا با مقام بوده، یا فریب بوده، یا تهدید بوده. یکی از این‌ها بوده که سنی شدند. آمار این‌ها هم خیلی کم است.

شما ببینید کتابی هست به نام «موسوعة من حیات المستبصرین» که «مرکز ابحاث عقائديه» چاپ کرده و ۱۴ جلد است. در این کتاب آن‌های که در این ۱۰۰ سال اخیر از علماء شیعه شدند، آن‌های که استاد دانشگاه بودند شیعه شدند، آن‌های که مهندس، دکتر، عالم بودند شیعه شدند، شرح حال همه‌شان را آورده است. با آدرس‌های دقیقش! شما ببینید آمار این طرف چقدر است و آن طرف آمار چقدر است.

تا الان نزدیک به هفتاد و خرده‌ای جلد کتاب از ما چاپ شده است، یکی دو تا نیست. یک کتاب کوچکی را در استان «خراسان» برای طلبه‌های که به مناطق اهل سنت می‌روند از ما خواستند، ما مدت یک هفته کتاب

«امامت و ولایت روح دیانت» را نوشتیم. این کمتر از ۶۰-۷۰ صفحه است، روایت‌ها را آوردیم و جلد کتاب را هم فتوکپی کردیم و گذاشتیم.

گفتیم «صحیح مسلم» این روایت را دارد کتاب «صحیح مسلم» را فتوکپی کردیم جلد و آن صفحه‌اش را هم در آن کتاب چاپ کردیم تا نگویند که این‌ها دارند دروغ می‌گویند؛ چون وقتی شما با این‌ها بحث می‌کنید می‌گویند کجاست؟ جلد فلان، صفحه فلان است، من که ندیدم این آقا دروغ می‌گوید.

ولی وقتی جلد و صفحه کتاب را به او نشان دادی و گفتی بفرما این کتاب شما است این جلدش و این هم آن صفحه‌ی که روایت در آن جا است، دیگر حرفی برای گفتن ندارد. لذا آن را هم فتوکپی کردیم و گذاشتیم. الحمد لله این کتاب را برای شما هم آوردند و تحویل می‌دهند.

**پرسش:**

بحث‌های اثبات ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام) را چطوری می‌توانیم دریافت کنیم؟

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ما همه این‌ها را روی «سایت ولیعصر» گذاشتیم، الان هم داریم این‌ها را به صورت نرم افزار موبایلی در می‌آوریم، که کسی در گوشی موبایلش هم این بحث‌ها را داشته باشد و پاور پوینت هم داشته باشد.

**پرسش:**

روایت صحیحی برای شهادت حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) در منابع اهل سنت داریم؟

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

آقای «جوینی» استاد «ذهبی» است که از او تعبیر می‌کند به:

«الإمام المحدث الأوحى الأکمل فخر الإسلام»

تذكرة الحفاظ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي، دار النشر: دار الكتب العلمية -

بيروت، الطبعة: الأولى؛ ج ٤، ص ١٥٠٠

ایشان در «فرائد السمطين» جلد ٢، صفحه ٣٤ با قاطعیت شهادت حضرت زهرا را نقل می‌کند. در کتاب

«کافی» جلد ١، صفحه ٤٥٨ با سند صحیح از امام معصوم دارد که فرمود:

«إِنَّ فَاطِمَةَ عِصْمَةٌ شَهِيدَةٌ»

الكافي (ط - الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ١٤٠٧ ق، ج ١، ص ٤٥٨

پرسش:

نظرتان در رابطه با دروس فعلی حوزه چیست؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

الآن کتابهای که آقایان نوشتند خیلی کتابهای خوبی است، همین که ده پایه گذاشتند، اگر طلبه‌ی این کتابها را خوب بخواند؛ یعنی معتقد هستم شما اگر یک کتابی می‌خوانید از نصف که گذشت بتوانی از اول تدریس کنی خوب است.

ما این‌طور خواندن را دوست داریم، نه فقط شما نمره بیاوری! نمره ملاک نیست. ما سال ٥٦ امتحان خارج در حوزه دادیم. «رسائل، مکاسب و کفایه» را در «مسجد اعظم» امتحان داشتیم. ما در یک روز پیش از ظهر «رسائل و مکاسب» امتحان دادیم؛ بعد از ظهر هم دو جلد «کفایه» را امتحان دادیم. دیدم طلبه‌ها آنجا دارند استخاره می‌کنند استخاره خوب بیاد این جواب را بنویسند و اگر بد آمد ننویسند، مگر انسان با استخاره جواب



می‌نویسد؟ بعضی وقت‌ها درست در می‌آمد! این خواندن ارزش ندارد شما اگر یک کتاب را از نصف گذشت نه آخر، بتوانید از اول تدریس کنید این خواندن، خواندن مقبول و مطلوبی است.

الآن این‌که «شورای عالی مدیریت» تصویب کرده خیرِ الموجودین ما این است، جناب آقای «اعرافی» دنبال این است که یک تغییراتی در آینده انجام بدهند ان شاء الله امیدوار هستیم موفق بشوند تا یک مقدار بحث ساده‌تر و راحت‌تر بشود؛ ولی اگر همین بحث‌ها را شما خوب و تمیز بخوانید موفق می‌شوید کتاب خواندن مهم نیست خوب خواندن مهم است.

شما وقتی «ادبیات» را تمام می‌کنید اگر یک کتاب «کافی» بدون اعراب به دست شما بدهند یا یک آیه قرآن بدون اعراب به دست شما بدهند تمیز بخوانید، فعل و فاعل و مفعول را تمیز و حال را خوب در بیاورید، این را تمیز خواندن می‌گوییم حالا این‌طور تمیز خواندن را شما سه سال یا چهار سال بخوانید بحثش جدا است.

ما سال ۴۸ این‌جا آمدیم، سال ۵۵ امتحان دادیم و ۵۶ درس خارج خواندیم؛ یعنی کل این‌ها را در ظرف شش - هفت سال خواندیم، من یادم است «حاشیه ملا عبدالله» را تمام نکرده ده - پانزده نفر پیش من می‌آمدند و برای‌شان تدریس می‌کردم، «مغنی» و «لمعه» را هم به همین شکل، «کفایه» را من پنج دوره تدریس کردم! خدایا تو را قسمت می‌دهیم به آبروی زهرا مرضیه، فرج امام زمان نزدیک بگردان. ما را از یاران خاص و سربازان فداکارش قرار بده. انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل‌بیت در هر لباس و منصبی هستند بالاخص مقام معظم رهبری موفق بدار. خیر دنیا و آخر به ما ارزانی بدار. شر دنیا و آخرت از ما دور بگردان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صالحین، صدقین بالاخص «امام راحل» صلوات بفرستید.

والسلام علیکم ورحمة الله